

دریاهای آدمخوار و رویاهایی که غرق می شوند

در سوگ خانواده‌ای که دیگر نیستند.

سیامک بهاری



تراژدی غرق شدن در دریاها برای فرار ناگزیری که بر میلیون‌ها انسان تحمیل می‌شود. بیشک یکی از دردناک‌ترین فجایع قرن اخیر است. میلیون‌ها انسان پادرگریز بی‌آنکه خود خواسته باشند مجبورند بگریزند و در ناکجا آباد دیگری که نمیدانند کجاست و چیست چون تخته پاره‌ای بر امواج دریا بگریزند تا شاید در جایی مأوا بگیرند.

وجدان‌های بیدار جهان هنوز از درد بخود می‌پیچد! برای مرگ‌هایی جانکاه و مکرر که داغشان بر دل مدام تازه می‌شود آیلان، پسرک آبی پوش سه ساله از خاطره‌ها محو شدنی نیست که آنیتا ۹ ساله و آرمین ۶ ساله و آرتین پانزده ماهه را دریای آدمخوار دیگری می‌بلعد!

انگار همه آنچه انسانیت نامیده می‌شود در دست این امواج له می‌شود! انگار که این دریاها از این دولت‌ها فرمان می‌گیرند. اینان پشت دروازه‌های دژهای اروپا و دولت‌های خیلی "دمکرات" جهان سرگردانند. قاتلین این خانواده‌ها نمی‌توانند دست‌های خونینشان را مخفی کنند.

رسول ایران‌نژاد و شیوا محمدپناهی ۳۵ ساله و فرزندانشان می‌توانستند شاد و خوشبخت بی‌آنکه آوار مصائب و حرمانهای بی‌شمار و اجبارهای بی‌پایان بر سرشان آوار شود، آسوده در آغوش هم باشند! اما سایه شوم حکومتی که فقر و فلاکت و سیه‌روزی بر سر جامعه آوار کرده است همه آن ریشه‌های انس

و الفت و تار و پود همه رابطه‌های دوست داشتنی را چنان از هم می‌گسلد که دیگر راهی جز گریز باقی نمی‌ماند!

آنچه جان‌های عزیز بی‌شماری را به دریا‌های آدامخوار هدیه می‌دهد حکومت‌های خودکامه و بی‌رحمی‌اند که مانند جهنمی زیر پای انسان و انسانیت دهان باز کرده‌اند!

آنیثا، آرمین و آرتین به همراه رسول و شیوا، نه اولین هستند و نه آخرین، همه آنها، قربانیان جنایت‌های بیشمار حکومت اسلامی‌اند! این جمهوری اسلامی است که از سردشت در کردستان فراری‌شان می‌دهد تا جان‌شان را دریای مانس بگیرد.